

قائم‌مقامی شرکت ادغام‌کننده یا جدید و مرجع صالح رسیدگی به دادخواهی علیه آن

✉ a.tahmasebi.7@gmail.com

علی طهماسبی

استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده: یکی از راه‌های توسعه بیرونی شرکت‌های تجاری، ادغام واقعی است که می‌تواند ناشی از قرارداد یا قانون و ساده یا مرکب باشد. در ادغام ساده، یک یا چند شرکت در شرکت دیگری جذب می‌شوند ولی در ادغام مرکب، از ادغام چند شرکت، شرکت جدیدی به وجود می‌آید. در هر حال شرکت بازمانده یا جدید، قائم مقام عام شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده است و به عنوان قائم مقام آنان، می‌تواند طرف دادخواهی دیگران قرار گیرد. برابر رأی وحدت رویه شماره ۸۵۱ دیوان عالی کشور، «اگر بانکی دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج از بانک یا سهام‌داران، باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در حوزه قضایی آن قرار دارد، اقامه شود، لذا با ادغام بانک یا مؤسسه مالی در بانک دیگر، شعب این بانک، قائم مقام بانک یا مؤسسه ادغام شده تلقی می‌شود و رسیدگی به دعاوی اشخاص در صلاحیت دادگاه محل استقرار شعبه آن بانک است» اما اطلاق این رأی قابل اتکا نیست و برای تعیین مرجع صالح، باید به فاکتورهایی چون بررسی یا غیربررسی بودن شرکت‌های طرف ادغام، دولتی یا خصوصی بودن آن و غیره، توجه کرد. بنابراین اگر یک یا چند شرکت بررسی در یک شرکت بررسی دیگر ادغام شوند و دعوا ناشی از فعالیت حرفه‌ای شرکت ادغام‌شونده در بازار سرمایه باشد، رسیدگی به دعوا در صلاحیت ذاتی هیأت داور است. در برابر اگر شرکت ادغام‌کننده یا ادغام‌شونده یا هر دو غیر بررسی بوده یا دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه مرتبط نباشد یا شرکت دولتی بوده و برای مطالبه سود اوراق بهادار علیه آن دادخواهی شود، رسیدگی به دعوا در صلاحیت ذاتی دادگستری است. واژگان کلیدی: شرکت تجاری بررسی، ادغام، قائم مقامی، دادگاه، هیأت داور سرمایه

استناد: طهماسبی، علی. (۱۴۰۵). قائم‌مقامی شرکت ادغام‌کننده یا جدید و مرجع صالح رسیدگی به دادخواهی علیه آن. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۴)، ۱۷۱-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2026.2072903.1463>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

پس از ادغام چند مؤسسه مالی و اعتباری مهر اقتصاد، قوامین، انصار، حکمت ایرانیان و کوثر در بانک سپه، اشخاصی برای تخصیص سهام پذیرهنویسی شده در فرایند افزایش سرمایه و مطالبه سود سهام خود در مؤسسه مهر اقتصاد علیه بانک سپه به عنوان قائم مقام آن دادخواهی کردند. پس از بروز اختلاف میان دادگاه‌ها در خصوص دادگاه محلی صالح برای رسیدگی به دعوا، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، به موجب رأی وحدت رویه شماره ۸۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ مقرر کرد: «مستفاد از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ این است که اگر بانکی دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج از بانک یا سهامداران، باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در حوزه قضایی آن قرار دارد، اقامه شود، لذا با ادغام بانک یا مؤسسه مالی در بانک دیگر، شعب این بانک، قائم مقام بانک یا مؤسسه ادغام شده تلقی می‌شود و رسیدگی به دعاوی اشخاص در صلاحیت دادگاه محل استقرار شعبه آن بانک است». البته عبارت پردازی رأی دقیق نیست و با توجه به فقدان شخصیت حقوقی شعبه، قائم مقامی آن معنا ندارد و شرکت ادغام‌کننده است که قائم مقام عام شرکت ادغام‌شونده می‌شود.

حال با توجه به اینکه از یک سو مؤسسات اعتباری اعم از بانک یا غیر بانک صرفاً در قالب شرکت سهامی عام (یا تعاونی سهامی عام) قابل تشکیل هستند (ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱ و بند الف ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور^۲) و از سوی دیگر ادغام ممکن است ساده یا مرکب و شرکت‌های طرف آن، بورسی (پذیرش شده در بورس یا فرابورس) یا غیر بورسی باشند و رأی وحدت رویه دیوان ناظر به ادغام شرکت‌های غیربورسی است، این پرسش به میان می‌آید که آیا استناد به این رأی در خصوص همه موارد ادغام صحیح است و برای نمونه هر گاه در ادغام ساده، یک شرکت (اعم از بانک و غیره) در شرکت دیگری ادغام شود، دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکت (بانک) ادغام‌کننده به عنوان قائم مقام شرکت ادغام‌شونده، باید در دادگستری طرح شود یا بر حسب بورسی یا غیربورسی بودن آن، مرتبط یا غیرمرتبط بودن دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه، دولتی یا غیردولتی بودن شرکت و خواسته دعوا (مطالبه سود سهام یا دیگر دعاوی) باید قائل به تمایز شد و در برخی موارد دعوا را از صلاحیت ذاتی دادگستری خارج و آن را در صلاحیت هیأت داوری بازار سرمایه (مواد ۳۶ و ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار، مواد ۱۵ و ۱۶ قانون توسعه ابزارها و

۱. بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری غیر دولتی یا بانکهای دولتی که سهام آن‌ها واگذار می‌شود، صرفاً در قالب شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام قابل تشکیل هستند.

۲. الف. تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن خواهد بود.

نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی) به عنوان یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری دانست؟

نگارنده برای روشن ساختن پاسخ این پرسش‌ها، ناگزیر است نخست مفهوم ادغام، انواع آن و قائم‌مقامی شرکت‌های بازمانده یا جدید در ادغام واقعی را بررسی کرده، سپس به بررسی معیارهای تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی علیه این شرکت‌ها بپردازد.

بدین ترتیب با وجود انجام پژوهش‌های دیگر در خصوص ادغام شرکت‌های تجاری و هیأت داورى بازار سرمایه در حقوق ایران (برای نمونه: حقیقت‌جو، ۱۳۹۸؛ نیک‌بین، ۱۳۹۶؛ بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۳؛ عیسایی تفرشی، ۱۳۹۱؛ میرزایی منفرد، ۱۳۹۰؛ سلطانی، ۱۳۹۲؛ صابر و میرزایی منفرد، ۱۳۹۹؛ شمس‌الهی: ۱۳۹۹: ۷-۵۶؛ نیکبخت و صادقی، ۱۴۰۰) نوآوری مقاله در تمرکز آن بر شناسایی مرجع صالح ذاتی برای رسیدگی به دعاوی‌ای است که علیه شرکت جدید یا ادغام‌کننده به عنوان قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شده طرح می‌شود، زیرا اتکا به اطلاق رأی دیوان، بدون توجه به فاکتورهای چون بورسی یا غیربورسی بودن شرکت‌های طرف ادغام، مرتبط بودن دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه، دولتی یا غیردولتی بودن شرکت و غیره، باعث اشتباه در تشخیص مرجع صالح ذاتی برای رسیدگی به دادخواهی می‌شود. گفتنی است که مقاله ناظر به ادغام شرکت‌های سهامی عام (و تعاونی سهامی عام) در یکدیگر است و جز در موارد خاص به ادغام دیگر شرکت‌ها نمی‌پردازد.

۱. توسعه شرکت‌های تجاری

توسعه شرکت‌های تجاری ممکن است درونی یا بیرونی باشد. در توسعه درونی، شرکت یا بر پایه منابع داخلی خود اقدام به افزایش تولید و غیره کرده (توسعه درونی مستقیم) یا بصورت غیرمستقیم و از طریق انعقاد قرارداد فرانچایز یا لیسانس با اشخاص دیگر، فعالیتش را گسترش می‌دهد (حقیقت‌جو، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۲).

در برابر، توسعه بیرونی از طریق ادغام صورت می‌گیرد که می‌تواند عملی (تملک) یا واقعی (قانونی) باشد. تملک از طریق تحصیل سهام یا تصاحب اموال شرکت تملک‌شونده محقق می‌شود. اگر شرکت تملک‌کننده همه یا بخش عمده اموال شرکت تملک‌شونده را تصاحب کند، معمولاً آن شرکت منحل شده و شخصیت حقوقی‌اش به پایان می‌رسد (نیک‌بین، ۱۳۹۶: ۳۶).

در ادغام واقعی یا قانونی، یک یا چند شرکت در شرکت دیگری ادغام یا همه آن‌ها منحل و شرکت جدیدی به وجود می‌آورند. به این دلیل بند ۱۶ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد، ادغام اقدامی است که براساس آن، چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند.

افزون بر حقوق شرکت‌ها، ادغام به دلیل آثار قابل توجهی که بر ساختار و عملکرد بازار دارد، در قلمرو حقوق رقابت هم بررسی و از سوی مقامات رقابتی پایش می‌شود (مرتضوی، ۱۴۰۲: ۶۳).

۱-۱. انواع ادغام واقعی

ادغام واقعی ممکن است ساده (یکجانبه) یا مرکب (یا ترکیبی یا دو یا چند جانبه) باشد. در ادغام ساده یک یا چند شرکت در شرکت دیگری ادغام می‌شوند؛ بنابراین بر حسب بررسی یا غیر بررسی شرکت‌های طرف ادغام، فرض‌های زیر قابل تصور است:

الف) ادغام یک یا چند شرکت بورسی در یک شرکت بورسی دیگر

ب) ادغام یک یا چند شرکت غیر بورسی در یک شرکت بورسی

پ) ادغام یک یا چند شرکت بورسی در یک شرکت غیر بورسی

ت) ادغام یک یا چند شرکت غیر بورسی در یک شرکت غیر بورسی دیگر

در ادغام مرکب، دو یا چند شرکت در یکدیگر ادغام و با انحلال آن‌ها، شرکت جدیدی ققنوس‌وار سر بر می‌آورد^۱ (بند ۱۶ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۱ آیین‌نامه تشویق به مشارکت موضوع ماده (۱۵) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی^۲)، بنابراین بسته به اینکه شرکت‌های طرف ادغام، بورسی یا غیربورسی باشند، سه فرض قابل تصور است:

الف) ادغام دو یا چند شرکت بورسی در یکدیگر و ایجاد یک شرکت جدید

ب) ادغام دو یا چند شرکت بورسی و غیر بورسی در یکدیگر و ایجاد یک شرکت جدید

پ) ادغام دو یا چند شرکت غیر بورسی در یکدیگر و ایجاد یک شرکت جدید

از سوی دیگر، ادغام ممکن است بر پایه قرارداد یا به موجب قانون (به موجب قانون یا تصمیم مرجع صالح) واقع شود. باید توجه داشت که بر خلاف دیگر اسباب انحلال، با وجود منحل شدن شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۰؛ پاسبان، ۱۳۹۱: ۵-۲۳۴ و عیسایی تفرشی، ۱۳۹۱: ۱۳۴)، شرکت وارد فرایند تصفیه نمی‌شود، اما نبود قانون جامع در خصوص ادغام، مهجور ماندن مباحث آن در سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها و غیره، این برداشت را برای برخی

۱. در امریکا یک نوع ادغام فوق‌العاده دیگر نیز وجود دارد که به موجب آن چند شرکت در حداقل دو شرکت ادغام می‌شوند یا از انحلال چند شرکت، دست‌کم دو شرکت جدید پدید می‌آید (حقیقت‌جو، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

۲. ماده ۱. در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- ادغام: اقدامی که بر اساس آن یک یا چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند (ادغام ساده) یا شخصیت حقوقی واحد و جدیدی را تشکیل دهند (ادغام مرکب).

دادگاه‌ها ایجاد کرده که شرکت‌های ادغام‌شونده پس از انحلال وارد فرایند تصفیه شده و قواعد عمومی تصفیه بر آن حاکم است، این برداشت گاه سبب ایران‌گردی پرونده‌ها شده است! برای نمونه ذکر سرگذشت یک دعوای طرح شده علیه مؤسسه اعتباری صالحین و بانک آینده، جالب به نظر می‌رسد. بانک آینده در تیرماه ۱۳۹۱ بر اساس مصوبه جلسه ۱۱۳۷ شورای پول و اعتبار، از ادغام بانک تات و دو مؤسسه اعتباری صالحین و آتی به وجود آمد^۱. خواهان که در مؤسسه اعتباری صالحین، ضامن شخص دیگری شده بود، پس از بازپرداخت کامل اقساط وام توسط وام‌گیرنده، دعوایی به خواسته رد لاشه چک علیه مؤسسه اعتباری صالحین و بانک آینده در دادگاه‌های بیرجند طرح می‌کند. شعبه دوم دادگاه عمومی بیرجند با این استدلال که تعاونی اعتبار صالحین در بانک آینده ادغام شده و بانک آینده صرفاً مطالبات شرکت تعاونی اعتبار صالحین را پیگیری می‌نماید، دعوا را متوجه بانک آینده ندانسته، ضمن صدور قرار رد دعوا نسبت به آن، مؤسسه اعتباری صالحین را محکوم به رد چک می‌کند (دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۳۳۹۰۰۰۰۲۳۳۲۷۰).

پس از تجدید نظر خواهی مؤسسه صالحین، شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر خراسان جنوبی، با این استدلال که دعوای اشخاص علیه شرکت در حال تصفیه مطابق قسمت آخر ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی [قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی] در مرکز اصلی شرکت به عمل می‌آید... معتقد به عدم صلاحیت دادگاه بیرجند و صلاحیت دادگاه مشهد بوده و دادنامه را نقض می‌کند (دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۳۳۹۰۰۰۰۷۲۸۷۹۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۷).

با ارجاع پرونده به شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد، با این استدلال که با ادغام، شخصیت حقوقی خوانده ردیف دوم (مؤسسه اعتباری صالحین) طبق ماده ۱۰۵ از قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از بین رفته است، به استناد ماده ۱۱ از قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب [قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی]، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی حقوقی تهران صادر می‌شود (دادنامه شماره ۸۳۵۴ مورخ ۱۴۰۰/۸/۱۱).

شعبه ۴۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران پس از ارجاع پرونده به آن، اعلام می‌کند نظر به اینکه خوانده ردیف اول شرکت در حال تصفیه می‌باشد و هنوز تصفیه آن به اتمام نرسیده است، لذا همانگونه که قضات محترم شعبه ششم دادگاه محترم تجدیدنظر استان خراسان جنوبی در دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۳۳۹۰۰۰۰۷۲۸۷۹۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۷ اعلام داشته‌اند، دعوای اشخاص علیه

۱. در سایت بانک آینده به این مصوبه اشاره شده است ولی نگارنده نتوانست آن را در سایت بانک مرکزی پیدا کند.

شرکت در حال تصفیه مطابق قسمت آخر ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی [قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی] در مرکز اصلی شرکت به عمل می‌آید که در ما نحن فیه مرکز اصلی شرکت موصوف [شرکت تعاونی اعتبار صالحین خراسان] در مشهد می‌باشد. بر این اساس این دادگاه خود را صالح به رسیدگی به دعوی فوق نمی‌داند و در نتیجه قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم ... را مستنداً به مواد ۲۲، ۲۶ و ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی صادر و اعلام می‌دارد (دادنامه شماره ۲۶۹۴ مورخ ۱۴۰۱/۳/۷).

سرانجام شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف، به موجب دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۴/۱ اعلام می‌کند، استدلال شعبه ۴۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران و شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان جنوبی صحیح و موافق محتویات پرونده و موازین قانونی می‌باشد، توجهاً به تبصره ذیل ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن نقض قرار شماره ۱۴۰۰/۸۳۵۴، با اعلام صلاحیت شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان مشهد حل اختلاف می‌گردد.

بدین ترتیب دادگاه‌ها و شعبه ۱۳ دیوان به تصور در حال تصفیه بودن شرکت ادغام‌شده، استنباطهایی کرده‌اند که با قواعد عمومی ادغام همخوانی ندارد؛ زیرا اگر ادغام واقعی در معنای دقیق آن واقع شده، شرکت ادغام‌شده دیگر وجود خارجی ندارد تا دادخواهی علیه آن معنی داشته باشد، از سوی دیگر شرکت جدید، قائم‌مقام عام آن محسوب می‌شود و منحصر دانستن قائم‌مقامی آن به پیگیری مطالبات شرکت ادغام‌شده بی‌معناست. بر این بنیاد اگر قائم‌مقام در بیرجند دارای شعبه بوده، خواهان می‌توانست در آن شهر اقدام به طرح دعوا کند و ایراد عدم صلاحیت آن دادگاه، به دلیل لزوم دادخواهی در مرکز اصلی شرکت، منتفی است مگر آنکه بانک آینده در آن شهر دارای هیچ شعبه‌ای نبوده باشد تا بحث عدم صلاحیت محلی دادگاه و لزوم دادخواهی در محل دیگر به میان آید.

دادنامه شماره ۱۷۷۲۰۱۷۷۲۰۱۱۱۸۰۹۹۷۸۱۱۱۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ شعبه دهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان همدان و دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۱۰۱۰۰۷۹۷ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۲ شعبه ۲۸ دیوان در تأیید آن نیز، با قواعد حقوقی حاکم بر ادغام شرکت‌های تجاری مغایرت دارد؛ زیرا در خصوص دعوی طرح شده علیه مؤسسه مالی و اعتباری مهر اقتصاد (ادغام شده در بانک سپه) به خواسته الزام به ایفای تعهد مالی ... اعلام می‌کند: «... نظر به اینکه بر اساس ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب [۱۳۷۹] دعاوی بین شرکت و شرکاء، اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت، [در] جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه

۲-۱. ادغام و قائم مقامی شرکت بازمانده یا جدید

قائم مقامی شخصی ایجاد یک وضعیت حقوقی میان دو شخص است که بر پایه آن، یک شخص جانشین شخصی دیگر در آن وضعیت حقوقی می‌شود. دو عنصر اساسی قائم مقامی عبارتند از انتقال مال یا حق و وحدت و همانندی وضعیت حقوقی قائم مقام و اصیل نسبت به آن مال یا حق (کاظمی و عسگر رمکی، ۱۳۹۹: ۴-۲۱۳).

قائم مقام هم به معنای نماینده (قائم مقام تجارتهی موضوع مواد ۳۹۵ به بعد ق.ت) به کار رفته، هم در معنای جانشین. قائم مقامی در معنای دوم به اعتبار قلمرو حقوق و تعهدات موضوع انتقال به قائم مقام، می‌تواند عام یا خاص و به اعتبار منشأ، می‌تواند قراردادی یا قانونی باشد (دارویی، ۱۳۸۸: ۹-۱۶۸ و پاکباز، ۱۴۰۱: ۵۷۵). قائم مقامی شرکت بازمانده یا جدید در ادغام از حیث قلمرو عام و از جهت منشأ ممکن است قراردادی یا قانونی باشد.

۱-۲-۱. قائم مقامی عام قراردادی شرکت بازمانده یا جدید در ادغام

در صورتی که ادغام، خواه ساده باشد یا مرکب، برآمده از قرارداد میان شرکت‌های طرف آن باشد، قائم مقامی شرکت بازمانده یا جدید، عام و ارادی (قراردادی) است (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۳، عیسایی تفرشی، ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۳۶، صقری، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۳)؛ زیرا از یک سو انتقال تمام حقوق، تعهدات و اموال شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده به شرکت‌های جدید یا بازمانده را در پی دارد^۱ و از سوی دیگر، ادغام خواسته شرکت‌های طرف آن است که از طریق قرارداد در پی

و انقلاب در امور مدنی و رعایت رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و اینکه صلاحیت دادگاه‌ها صرفاً به موجب قانون تعیین می‌شود، در اجرای ماده ۲۸ [۲۷] قانون فوق‌الذکر با تأیید نظر شعبه یازدهم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران، ضمن نقض قرار صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان خرم‌آباد و اعلام صلاحیت مرجع اخیر حل اختلاف می‌گردد^۲.

بدین ترتیب در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) به طرفیت بانک مهر اقتصاد که با بانک سپه ادغام شده است، میان شعب دیوان عالی کشور با استنباط از مواد ۱۳، ۲۲ و ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، اختلاف نظر رخ داده بود؛ به طوری که شعبه هفدهم با استناد به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دادگاه محل وقوع عقد و قرارداد را صالح به رسیدگی دانسته است، اما شعبه بیست‌وهشتم با استناد به ماده ۲۳ قانون مزبور، دادگاه واقع در مرکز اصلی بانک منحلّه را صالح به رسیدگی اعلام کرده است.

۱. مواد زیر از آیین‌نامه تشویق به مشارکت موضوع ماده (۱۵) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی قابل توجه‌اند:

ماده ۳- انتقال اموال و دارایی شرکت‌های ادغام‌شونده پس از ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به صورت فهری انجام

س

دستیابی به هدف خود هستند (بند ۱۶ ماده‌ی ۱ ق.ا.س.ک. ۴۴۱). البته برخی معتقدند هرچند ادغام دو شرکت تجاری مبتنی بر توافق مدیران دو شرکت و ارکان تصمیم‌گیرنده شرکت‌های مربوطه است، اما قرارداد صرف نیست و ماهیتی خاص دارد که مستلزم فرآیندهای مختلف اداری است و لذا در بند ۱۶ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، از آن به «اقدام» تعبیر شده است (عبدی‌پور فرد، ۱۴۰۲: ۴۴۶).

۲-۲-۱. قائم‌مقامی عام قانونی شرکت‌های بازمانده یا جدید

ادغام شرکت‌های تجاری و تبعاً قائم‌مقامی حاصل از آن ممکن است نتیجه تصویب قانون باشد. در این صورت اموال، حقوق و تعهدات شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شونده به شرکت جدید یا بازمانده منتقل می‌شود و قائم‌مقامی آن شرکت از شرکت‌های ادغام‌شونده عام و در عین حال ناشی از قانون است. بر این بنیاد قائم‌مقامی بانک سپه از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ادغام‌شده (قومین، انصار، حکمت، کوثر و مهر اقتصاد)، که به موجب مصوبه سران قوا رخ داده، مصداق قائم‌مقامی عام قانونی است.

می‌شود. تمامی اموال، املاک، حقوق مادی و معنوی، مالکیت‌های مرتبط با نام تجاری و علامت تجاری، تعهدات و دیون شرکت ادغام‌شونده به شرکت جدید یا شرکت ادغام‌پذیرنده منتقل می‌شود. مرجع ثبتی مکلف است در صورت تقاضای شرکت جدید و یا شرکت ادغام‌پذیر با ارایه آگهی رسمی سند ادغام، نسبت به اصلاح مالکیت ثبت شده بدون انجام تشریفات ثبتی اقدام نمایند. شرکت‌های ادغام‌شونده، به طی مراحل تصفیه نیاز ندارند.

ماده ۴- در صورت ادغام، علاوه بر انحلال شرکت‌های ادغام‌شونده، شناسه ملی مربوط نیز بی‌اعتبار می‌شود.

ماده ۵- انتقال سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌های ادغام‌شونده در سایر شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری، بدون نیاز به تشریفات نقل و انتقال سهام و یا سهم‌الشرکه به شرکت ادغام‌پذیر، در مرجع ثبت شرکت‌ها انجام می‌شود.

ماده ۶- تمام اجرائیات شرکت‌های ادغام‌شونده در هر مرحله، از ابلاغ تا مزایده و ارزیابی و تخلیه در اجرای ثبت به همان نحو و با لحاظ جانشینی تعهدات، به شرکت جدید و یا شرکت ادغام‌پذیر منتقل و عملیات اجرایی بدون وقفه توسط یا علیه شرکت جدید یا شرکت ادغام‌پذیر ادامه پیدا می‌کند.

ماده ۷- در خصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، افزایش سرمایه ناشی از ادغام با لحاظ ماده (۲۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴ - از ثبت نزد سازمان بورس اوراق بهادار معاف است و تشریفات اختصاصی مربوط به افزایش و پذیره نویسی الزامی نیست.

تبصره- در صورت ایجاد شرکت جدید در اثر ادغام، رعایت الزامات قانونی تأسیس شرکت جدید الزامی است.

ماده ۹- شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه موظف است ظرف یک هفته از تاریخ صدور ورقه تعهد سهم به نام هریک از سهامداران شرکت‌های ادغام‌شونده، فهرست نهایی دارندگان اوراق مذکور را به شرکت ادغام‌پذیر و شرکت‌های ادغام‌شونده اعلام نماید.

ادغام به صلاحدید مدیر گزیر در نظام حل و فصل یا گزیر مؤسسات مالی و اعتباری (یا دیگر نهادهای مالی در آن دسته از نظام‌های حقوقی که آن را پذیرفته‌اند) نیز غیرارادی است ولی ظاهراً قانون بانک مرکزی ایران (مصوب ۱۴۰۳/۳/۳۰) چنین چیزی را پیش‌بینی نکرده است؛ زیرا بند ۴ تبصره ۲ ماده ۳۳ این قانون^۱، ادغام شرکت را منوط به تصویب مجمع عمومی شرکت ادغام‌شونده دانسته است.

۲. معیارهای تعیین مرجع صالح رسیدگی به دادخواهی علیه شرکت بازمانده یا جدید

با توجه به قائم مقامی شرکت‌های بازمانده یا جدید، اشخاصی که ادعایی علیه شرکت‌های ادغام‌شده داشته‌اند، می‌توانند به قائم مقام آن‌ها مراجعه کنند. با این حال برخلاف اطلاق رأی وحدت رویه شماره ۸۵۱ هیأت عمومی دیوان، رسیدگی به این دعوی لزوماً در صلاحیت ذاتی دادگستری نیست، بلکه رسیدگی به برخی از آن‌ها در صلاحیت ذاتی هیأت داوری بازار سرمایه، به عنوان یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری است (خدابخشی، ۱۳۹۲: ۱۲۰؛ میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۳۱، سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۷۶؛ صابر و میرزایی منفرد، ۱۳۹۹: ۱۹؛ شمس‌الهی، ۱۳۹۹: ۷-۵۶، نیکبخت و صادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۹).

گفتنی است که برابر ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها توسط هیئت داوری رسیدگی می‌شود. بنابراین قاعدتاً هیأت داوری، مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار سرمایه است. البته برخی از نهادهای مذکور در این ماده (و بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار)، بر اساس مصوبات شورای عالی بورس یا سبا یا اساسنامه نمونه در قالب‌های شرکتی خاصی قابل تشکیل هستند؛ برای نمونه کارگزاری (ماده ۱۱ دستورالعمل صدور مجوز تأسیس و فعالیت کارگزاری)، مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری (بند ۵ ماده ۳ دستورالعمل تأسیس و فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری)، شرکت پردازش اطلاعات مالی (ماده ۷ دستورالعمل تأسیس و فعالیت شرکت پردازش اطلاعات مالی)، شرکت مشاور

۱. تبصره ۲- مدیر گزیر می‌تواند در چهارچوب این قانون، نسبت به پیشنهاد موارد زیر به هیأت عالی اقدام نماید:
 ۱- فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به مؤسسه اعتباری دیگر؛
 ۲- انتقال باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به یک «مؤسسه اعتباری انتقالی»؛
 ۳- تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده مؤسسه اعتباری در حال گزیر به سهام در چهارچوب قوانین مربوط؛
 ۴- ادغام مؤسسه اعتباری در حال گزیر در یک مؤسسه اعتباری دیگر با تأیید مجمع عمومی مؤسسه اعتباری ادغام‌شونده؛
 ۵- انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر.

۲. به این دلیل گفته شد «قاعدتاً» که ممکن است در قرارداد، اساسنامه و غیره رجوع به داوری پیش‌بینی شده باشد.

سرمایه‌گذاری (ماده ۵ دستورالعمل تأسیس و فعالیت مشاور سرمایه‌گذاری) را صرفاً در قالب شرکت سهامی خاص می‌توان ایجاد کرد، در حالی که برخی دیگر مانند شرکت سرمایه‌گذاری (ماده ۲ اساسنامه نمونه) یا شرکت تأمین سرمایه (بند ۲ ماده ۲ ضوابط فعالیت شرکت تأمین سرمایه) و غیره در قالب شرکت سهامی عام یا خاص قابل تشکیل هستند. همچنین با وجود اختلاف در خصوص ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری، ماده ۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، هرگونه اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها و فعالیت آن‌ها و نیز اختلاف بین ارکان صندوق را در صلاحیت هیأت داورى دانسته است. طبعاً اگر یک شرکت کارگزاری در شرکت کارگزاری دیگر یا یک مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری در مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری دیگر یا یک شرکت پردازش اطلاعات مالی در شرکت پردازش اطلاعات مالی دیگر ادغام شود، رسیدگی به دادخواهی اشخاص ثالث علیه شرکت ادغام‌کننده (به عنوان قائم مقام شرکت ادغام‌شونده) در صورتی که ناشی از فعالیت حرفه‌ای شرکت ادغام‌شونده در بازار سرمایه باشد، در صلاحیت هیأت داورى است.

البته هیأت مرجع ثانوی و نهایی است زیرا دادخواهی نزد آن (غیر از طرح دعوی متقابل، جلب ثالث، و اخواهی، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث نزد هیأت داورى) مستلزم طی فرایند سازش در کمیته سازش قانون‌ها و ارائه گواهی عدم سازش است^۱ (نیکبخت و صادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۹) و بدون گواهی عدم سازش، هیأت از رسیدگی خودداری خواهد کرد (پیری، ۱۴۰۰: ۲۱۷). به هر حال با توجه به اینکه تمرکز مقاله بر ادغام شرکت‌های سهامی عام است، برای تعیین مرجع صالح رسیدگی به دادخواهی علیه قائم مقام شرکت ادغام‌شونده، باید فاکتورهایی مانند بررسی یا غیر بررسی بودن شرکت‌های طرف ادغام، ارتباط یا عدم ارتباط دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه، دولتی یا غیردولتی بودن شرکت و خواسته خواهان (مطالبه سود یا غیر آن) را مد نظر قرار داد.

۲-۱. بررسی یا غیر بررسی بودن شرکت‌های طرف ادغام

یکی از معیارهای تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی طرح شده علیه شرکت، بررسی این موضوع است که آیا شرکت‌های طرف ادغام (سهامی عام) بررسی‌اند یا نه؛ اگر در ادغام ساده، یک شرکت بررسی در یک شرکت غیر بررسی یا یک شرکت غیر بررسی در شرکت غیر بررسی دیگری ادغام شود، رسیدگی به دادخواهی علیه آن از صلاحیت ذاتی هیأت داورى خارج است. بنابراین هرگاه

۱. البته ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، در خصوص شرط مقدماتی لزوم طی فرایند سازش برای طرح دعوی مطالبه سود در هیأت داورى سکوت کرده است، اما هیأت با تکیه بر اطلاق ماده ۳۶ قانون بازار، طی این فرایند را در دعوی مطالبه سود هم، شرط استماع دعوا می‌داند.

شخصی در پی دادخواهی علیه یک شرکت غیربورسی مانند یک شرکت با مسئولیت محدود، تضامنی، سهامی خاص و غیره باشد، قاعدتاً رسیدگی به دادخواهی او در صلاحیت دادگستری است. به همین ترتیب اگر یک شرکت غیر بورسی در یک شرکت بورسی ادغام شود، به دلیل عدم ارتباط دعوا با فعالیت حرفه‌ای آن در بازار سرمایه، رسیدگی به دادخواهی علیه آن در صلاحیت دادگستری است.

در برابر اگر یک شرکت بورسی در یک شرکت بورسی دیگر ادغام شود^۱، ممکن است رسیدگی به دادخواهی علیه آن در صلاحیت هیأت داورى باشد، به این معنا که دادگستری در صورتی برای رسیدگی به دعوای طرح شده علیه آن صالح است که اختلاف ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن در بازار سرمایه نباشد یا شرکت، دولتی بوده و خواسته خواهان، مطالبه سود اوراق بهادار از آن باشد.

در ادغام مرکب به دلیل انحلال همه شرکت‌های طرف ادغام و ایجاد شرکت جدید، پذیرش اوراق بهادار آن در بورس و فرا بورس لغو می‌شود (بند ۴ ماده ۴۱ دستورالعمل پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران، بند ۲ ماده ۴۱ دستورالعمل پذیرش، عرضه و نقل و انتقال اوراق بهادار در فرابورس ایران^۲) و شرکت در صورت تمایل به پذیرش در بورس یا فرا بورس، باید فرایند پذیرش را طی کند، هرچند سابقه فعالیت پیشین آن به طور کامل نادیده گرفته نمی‌شود؛ برای نمونه در حالی که برابر بند ۴ ماده ۶ دستورالعمل پذیرش، متقاضی برای ورود به تابلوی اصلی بازار اول، باید حداقل سه سال سابقه فعالیت در صنعت مربوط داشته و طی این مدت موضوع فعالیت آن تغییر نکرده باشد. تبصره آن مقرر می‌دارد که هیأت پذیرش می‌تواند سوابق قبلی فعالیت متقاضیانی را که در اثر ادغام یا تغییر ساختار تشکیل شده‌اند، مشروط بر آن‌که منطبق با فعالیت فعلی آن‌ها باشد به عنوان سابقه فعالیت بپذیرد. در هر صورت متقاضی باید دارای حداقل دو سال سابقه فعالیت با ساختار فعلی باشد^۳. به نظر این بند صرفاً ناظر به

۱. گفتنی است که ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان، اطلاعات مهم شرکت را دو گروه الف و ب دسته‌بندی کرده است و اطلاعات ناظر به ادغام شرکت، در گروه الف قرار می‌گیرد. برای اطلاع از مفهوم اطلاعات مهم؛ ر.ک: نوعی و سلطانی، ۱۴۰۳: ۱۲۸ به بعد.

۲. ماده ۲۸ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران، پذیرش کالای یک عرضه کننده به موجب هر یک از موارد زیر لغو می‌شود: بند ۱: در صورت تداوم تعلیق پذیرش بیش از شش ماه و عدم رفع موجبات تعلیق؛ بند ۲: در صورت انحلال یا ورشکستگی عرضه کننده کالا؛

ماده ۳۵ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار قابل معامله در بورس انرژی، پذیرش کالای یک عرضه کننده به موجب هر یک از موارد زیر لغو می‌شود: ۱- در صورت تداوم تعلیق پذیرش بیش از شش ماه و عدم رفع موجبات تعلیق؛ ۲- در صورت انحلال یا ورشکستگی عرضه کننده کالا؛

۳. بند ۵ ماده ۱۰ دستورالعمل پذیرش و تبصره آن، در خصوص ورود به تابلوی فرعی بازار اول مقرر می‌دارد:

ادغام مرکب است، زیرا از تشکیل شرکت سخن می‌گوید که در ادغام ساده صادق نیست. گفتنی است برای حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی، مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار (سبا) و شفافیت اطلاعاتی، هرگونه عرضه عمومی اوراق بهادار از جمله سهام توسط شرکت سهامی عام در بازار اولیه، خواه در فرایند تأسیس باشد یا برای افزایش سرمایه، منوط به ثبت آن نزد سازمان است (مواد ۲۰ و ۲۱ قانون بازار اوراق بهادار) مگر در موارد خاصی که قانون ثبت اوراق را ضروری ندانسته است (ماده ۲۷ قانون بازار اوراق بهادار). افزون بر این برابر ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه (ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه)، تکلیف به ثبت اوراق نزد سبا به اوراق منتشر شده پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون بازار اوراق بهادار نیز، گسترش یافته است؛^۱ در عین حال باید توجه داشت که ثبت اوراق بهادار نزد سازمان، به معنای قابلیت معامله آن‌ها در بورس به عنوان بازار ثانویه متشکل نیست، بلکه مطابق ماده ۳۰ قانون بازار اوراق بهادار^۲ تحقق این امر مستلزم آن است که شرکت مطابق مقررات در بورس پذیرش شود (شرکت بورسی). برعکس در مورد فرابورس

بند پنج: حداقل باید سه سال سابقه فعالیت در صنعت مربوطه داشته و طی این مدت موضوع فعالیت آن تغییر نکرده باشد. همچنین از مدت مأموریت حداقل دوفتر از مدیران فعلی آن، حداقل شش ماه سپری شده باشد. تبصره: هیأت پذیرش می‌تواند سوابق قبلی فعالیت متقاضیانی را که در اثر ادغام یا تغییر ساختار تشکیل شده‌اند، مشروط بر آنکه منطبق با فعالیت فعلی آنها باشد به‌عنوان سابقه فعالیت بپذیرد. در هر صورت متقاضی باید دارای حداقل دوسال سابقه فعالیت با ساختار فعلی باشد.

به همین ترتیب تبصره بند ۶ ماده ۱۱ دستورالعمل ناظر به پذیرش در تابلوی اصلی بازار دوم مقرر می‌دارد: بند شش: حداقل باید دوسال سابقه فعالیت در صنعت مربوطه داشته و طی این مدت موضوع فعالیت آن تغییر نکرده باشد. تبصره: هیأت پذیرش می‌تواند سوابق قبلی فعالیت متقاضیانی را که در اثر ادغام یا تغییر ساختار تشکیل شده‌اند، مشروط بر آنکه منطبق با فعالیت فعلی آنها باشد به‌عنوان سابقه فعالیت بپذیرد. در هر صورت متقاضی باید دارای حداقل یک سال سابقه فعالیت با ساختار فعلی باشد.

۱. مطابق بند الف ماده ماده، به‌منظور ارتقای جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد کشور و ساماندهی بازار متشکل اوراق بهادار، کلیه اشخاصی که تاکنون نسبت به انتشار اوراق بهادار اقدام کرده‌اند حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون مکلفند نسبت به ثبت آن نزد سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام نمایند. عدم ثبت، تخلف محسوب می‌شود لیکن مانع از اجرای تکالیف قانونی برای ناشر اوراق بهادار نمی‌باشد. ناشران اوراق بهادار ثبت شده نزد سازمان مذکور باید اطلاعات مالی خود را براساس ترتیبات مقرر در ماده (۴۵) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران منتشر نمایند.

۲. ماده ۳۰. پذیرش اوراق بهادار در بورس طبق دستورالعملی است که به پیشنهاد هر بورس و به تصویب سازمان می‌رسد. بورس مجاز به پذیرش اوراق بهاداری نیست که نزد سازمان ثبت نشده است. تبصره. اوراق بهادار معاف از ثبت از شمول این ماده مستثنی است.

لزوماً این وضعیت صادق نیست، به این معنا که قابلیت معامله اوراق در بازار اول، بازار دوم و بازار نوآفرین آن منوط به پذیرش شرکت است (شرکت فرا بورسی) ولی در بازار توافقی و پایه، اوراق ناشر پذیرش نشده یا لغو پذیرش شده (شرکت غیر فرا بورسی) نیز معامله می‌شود^۱. البته در مورد ماهیت بازار فرابورس (اینکه از مصادیق بورس به شمار آید یا بازار خارج از بورس) ابهام وجود دارد؛ زیرا در قانون بورس اوراق بهادار به آن اشاره نشده، بلکه در کنار بورس به عنوان یک نهاد متشکل خودانتظام (بند ۳ ماده ۱)، بازار خارج از بورس نیز در قالب شبکه ارتباط الکترونیک یا غیرالکترونیک پیش‌بینی شده که برخلاف بورس، معاملات اوراق بهادار در آن، بر پایه مذاکره صورت می‌گیرد (بند ۸ ماده ۱ قانون و بند ۲ ماده ۱ و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون). در قوانین دیگر نیز در کنار بورس، به بازار خارج از بورس اشاره شده و نامی از فرابورس در میان نیست^۲.

۱. ماده ۴ دستورالعمل پذیرش، عرضه و نقل و انتقال اوراق بهادار در فرابورس ایران (شرکت سهامی عام). فرابورس دارای هفت بازار به شرح زیر است: ۱. بازار اول؛ ۲. بازار دوم؛ ۳. بازار سوم؛ ۴. نوآفرین؛ ۵. بازار ابزارهای نوین مالی؛ ۶. بازار پایه؛ ۷. بازار توافقی

تبصره ۱: پذیرش سهام شرکت‌های سهامی عام صرفاً در بازارهای اول و دوم و بازار نوآفرین و پذیرش یا درج سایر اوراق بهادار در بازار ابزارهای نوین مالی صورت می‌پذیرد. متقاضی پذیرش در صورت دارا بودن شرایط پذیرش، باید تقاضای پذیرش خود را در یکی از این بازارها به فرابورس ارائه نماید. تبصره ۲: پذیرش سهام در بازار نوآفرین در دو تابلوی «رشد» و «دانش‌بنیان» انجام می‌شود.

ماده ۲۰. اوراق بهادار ناشران بازار پایه و شرکتهای تعاونی سهامی عام با رعایت شرایط و تشریفات ذکر شده در این دستورالعمل در یکی از تابلوهای بازار پایه درج می‌گردد. فرابورس ایران مکلف است در زمان درج نماد اوراق بهادار ناشر در یکی از تابلوهای بازار پایه یا تغییر طبقه‌بندی آن، اطلاعاتی در خصوص مبنای درج نماد معاملاتی و یا وضعیت ناشر در هر یک از تابلوهای بازار پایه که شامل عناوینی نظیر "لغو پذیرش شده"، "قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور"، "انحلال/ورشکستگی" و "عدم اظهار نظر/اظهار نظر مردود" است، منتشر نماید.

ماده ۲۲ مکرر: اوراق بهادار برای درج در تابلوی توافقی بازار سوم باید حائز شرایط زیر باشند: ۱. توسط شورا، قابل معامله اعلام شده باشند، ۲. نزد سازمان ثبت شده باشند، ۳. محدودیت قانونی برای نقل و انتقال آنها وجود نداشته باشد، ۴. در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس پذیرفته نشده باشند.

البته دستورالعمل در خصوص بازار توافقی مشوش به نظر می‌رسد؛ زیرا در ماده ۴، بازار توافقی را به عنوان یکی از بازارهای هفتگانه ذکر می‌کند ولی در بند ۱۹ مکرر ماده ۱ و ماده ۲۲ مکرر، آن را تابلویی در بازار سوم می‌داند. دستورالعمل درج و نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در بازار توافقی فرابورس ایران (۱۳۸۱/۰۸/۱۱) نیز با عنوان بازار از آن یاد می‌کند.

۲. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید: ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی: در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

افزون بر این، نه تنها بند ۲ ماده ۱ و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار، بازار خارج از بورس را تشکل خود انتظام دانسته، بلکه بند ۴ ماده ۱ دستورالعمل فعالیت بازارهای خارج از بورس (مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۲ شورای عالی بورس) تأسیس آن را در قالب شرکت سهامی پیش‌بینی کرده است که معاملات در آن بر پایه مذاکره صورت می‌گیرد؛ از آنجا که مصوبات معطوف به قانون نباید در برگیرنده شرایطی فراتر از ضوابط مندرج در قانون به‌ویژه از حیث تحدید حقوق اشخاص باشد (صادقی، ۱۴۰۳: ۷۵) بند ۴ ماده ۱ دستورالعمل که تأسیس این بازار را در قالب شرکت سهامی پیش‌بینی کرده، مغایر با قانون و نیازمند اصلاح دانسته شده است، زیرا به معنای نادیده گرفتن آن دسته از بازارهای خارج از بورس است که می‌تواند نوعی سیستم معاملاتی مبتنی بر رایانه باشد که معاملات در آن بدون حضور واسطه‌های مالی (مانند کارگزاران) است (پیری، ۱۴۰۰: ۴-۲۳)

ظاهراً قرار بود فرابورس مصداق بازار خارج از بورس باشد ولی نتیجه به گونه دیگری رقم خورد و این بازار از لحاظ ماهوی و نوع عملیات تمامی کارکردها و ویژگی‌های بورس را دارد و ارتباطی به بازار

یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سررسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چهارچوب مقررات، توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت صاحبان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیأت داوران قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آراء صادره در این خصوص از طریق اجراء احکام دادگاه‌ها قابل اجراء است.

ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه: به منظور ارتقای جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد کشور و ساماندهی بازار متشکل اوراق بهادار اقدامات زیر انجام می‌شود. سایر تدابیر ساماندهی، مطابق ماده (۴) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ است. الف.

ب. معاملات اوراق بهادار ثبت شده در سازمان فقط در بورسها و بازارهای خارج از بورس دارای مجوز و با رعایت مقررات معاملاتی هر یک از آنها حسب مورد امکان پذیر است و معامله اوراق بهادار مذکور بدون رعایت ترتیبات فوق فاقد اعتبار است.

پ. پس از معامله اوراق بهادار ثبت شده نزد سازمان که در یکی از بورسها یا بازارهای خارج از بورس معامله شده‌اند و کالاهای معامله شده در بورسهای کالایی، عملیات تسویه وجوه و پایاپای (نقل و انتقال) پس از معاملات، در شرکتهای سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه صورت می‌گیرد.

ماده ۲۸ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی دولتی: ب- شرکتهای پذیرفته شده در بورس و بازارهای خارج از بورس براساس میزان سهام شناور خود در هر یک از بازارهای مذکور و براساس مقرراتی که با پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار می‌رسد، می‌توانند تا سقف ده درصد (۱۰٪) از سهام خود را خریداری و تحت عنوان سهام خزانه در شرکت نگهداری کنند. مادامی که این سهام در اختیار شرکت است فاقد حق رأی می‌باشد.

خارج از بورس ندارد^۱ (سطانی، ۱۳۹۶: ۳-۱۶۲) به گونه‌ای که شورای عالی بورس در بند الف مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۷/۶ خود مقرر کرد: با توجه به اینکه شرکت فرابورس ایران (سهامی عام) بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران و یا معامله‌گران طبق مقررات قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ مورد دادوستد قرار می‌گیرد، لذا کلیه معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران در حکم معاملات بورس اوراق بهادار بوده و آثار مربوط به معاملات بورس اوراق بهادار (موضوع بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار)، بر معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران نیز مترتب می‌باشد.

بر این بنیاد باید با انجام اصلاحات لازم در فرابورس آن را به بازار خارج از بورس در معنای دقیقش تبدیل کرد که در عین حال که تحت نظارت است اما با بورس تفاوت دارد و معامله در آن از طریق مذاکره انجام شود؛ اساساً اگر قرار باشد که فرابورس همانند بورس بوده و فقط شرایط ورود شرکتها به آن راحت‌تر از بورس باشد، فلسفه وجودی‌اش زیر سؤال است و دلیلی برای وجود مستقل آن وجود ندارد، بلکه به جای ایجاد یک بورس مستقل، می‌توان با افزایش تعداد بازارهای بورس، به همان نتیجه رسید (باقری و احضاری، ۱۳۹۸: ۸۳). گفتنی است که در بخشی از فرابورس، بازار خارج از بورس دیده شده، زیرا برابر بند ۱۳ ماده ۱۰ مکرر دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در فرابورس، معاملات عمده در بازار پایه آن بصورت توافقی انجام می‌شود (پیری، ۱۴۰۰: ۲۳).

افزون بر این، هر گاه شرکت کالای خود را با رعایت الزامات قانونی، در بورس کالا یا انرژی عرضه کرده یا اوراق مشتقه مبتنی بر کالای آن در این بازارها معامله شود^۲، رسیدگی به دادخواهی

۱. مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۷/۶ شورای عالی بورس در خصوص شرکت فرابورس ایران (سهامی عام) ماده واحده: شورا ضمن استماع گزارش از روند تشکیل بازار فرابورس ایران و مشکلات مربوط به راه‌اندازی و فعالیت آن، با استناد به اختیارات حاصله از بندهای (۱)، (۲) و (۵) ماده (۴) قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ایران مقرر کرد: الف: باتوجه به اینکه شرکت فرابورس ایران (سهامی عام) بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران و یا معامله‌گران طبق مقررات قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ مورد دادوستد قرار می‌گیرد، لذا کلیه معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران در حکم معاملات بورس اوراق بهادار بوده و آثار مربوط به معاملات بورس اوراق بهادار (موضوع بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار)، بر معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران نیز مترتب می‌باشد. ب: نظامات حاکم بر شرکت فرابورس ایران (سهامی عام) مطابق مقررات قانونی و مصوبات ارکان بازار اوراق بهادار از جمله دستورالعمل پذیرش و عرضه اوراق بهادار در فرابورس ایران و دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران، مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار و مصوبات شورا می‌باشد.

۲. بورس کالا دارای سه بازار کالای فیزیکی، بازار اوراق مشتقه مبتنی بر کالا و بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری (قابل معامله) (ماده ۴ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران) و بورس انرژی نیز دارای چهار بازار فیزیکی، مشتقه، فرعی و سایر اوراق بهادار قابل معامله است (ماده ۴ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق

علیه آن در دعوی مرتبط با عرضه و غیره (مانند دعوی تسلیم کالا، مطالبه خسارت ناشی از تأخیر تسلیم، مطالبه وجه تضمین جبرانی و غیره) در صلاحیت هیأت داورى است (صابر و میرزایی منفرد، ۱۳۹۹: ۱۴۱-۲۰۳).

۲-۲. مرتبط یا غیر مرتبط بودن دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه

بورسی بودن شرکت با صلاحیت ذاتی هیأت داورى برای رسیدگی به همه دعوی طرح شده علیه آن ملازمه ندارد، بلکه دعوا نیز باید بورسی یا به عبارت دیگر ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن در بازار سرمایه باشد. در ماده ۱۷ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار، صلاحیت هیأت داورى محدود به رسیدگی به اختلافات ناشی از معاملات بورسی میان کارگزاران با یکدیگر و اختلافات فروشنندگان یا خریداران یا کارگزاران بود، ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار با گسترش صلاحیت هیأت مقرر داشت، اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در قانون‌ها توسط هیئت داورى رسیدگی می‌شود. مسلم است که کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تأمین سرمایه و غیره در بازار سرمایه فعالیت حرفه‌ای دارند، اما در مورد سرمایه‌گذاران (سهامداران)، این پرسش به میان می‌آید که با توجه به لزوم مرتبط بودن اختلاف با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه، اگر سهامداری که گاهی اقدام به خرید سهام کرده، درصدد دادخواهی علیه ناشر یا کارگزار باشد، باید در دادگستری طرح دعوا کند یا رسیدگی به دادخواهی‌اش در صلاحیت هیأت است؟

در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. برخی با ارائه مفهومی خاص از «فعالیت حرفه‌ای» معتقدند هر نوع تکالیف و حقوق قانونی فعالان بازار در ارتباط با موضوع فعالیت قانونی که در دامنه صلاحیت آن عضو است، فعالیت حرفه‌ای محسوب می‌شود؛ خواه یک بار انجام و به اختلاف منجر شود، خواه به دفعات. به بیان دیگر هر اقدام قانونی ناشی از مشارکت فرد در بازار که شخص فعال بازار باید با عنوان آن شخص، خواه سرمایه‌گذار، کارگزار، ناشر و غیره در ایفای تکالیف خود انجام داده یا از حقوق قانونی مربوطه بهره‌مند شوند، فعالیت حرفه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین دریافت کد معاملاتی، واریز وجه به حساب کارگزار، ارائه مدارک هویتی، تکمیل فرم درخواست خرید، تعیین وضعیت و نوع سهام یا دادن اختیار آن به کارگزار، دریافت اعلامیه خرید، دریافت گواهینامه نقل و انتقال سپرده سهام و غیره فعالیت حرفه‌ای سهامدار است (میرزایی منفرد،

۱۳۹۰: ۱۴۱-۲، کاویانی و صادقی، ۱۳۹۷: ۱۹-۱۸).

همسو با این رویکرد، برخی دیگر با ارائه تفسیری قصدگرا و در عین حال مصلحت‌گرا از قانون، بر این باورند که توسعه صلاحیت هیأت در ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار (در مقایسه با قانون تأسیس بورس اوراق بهادار) نشان از آن دارد که قانون‌گذار نه تنها قصد محدود کردن اقامه دعوا له یا علیه سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای را نداشته، بلکه توجه به فلسفه تشکیل هیأت، یعنی سرعت در رسیدگی به دعاوی و حمایت از سرمایه‌گذار، مؤید صلاحیت آن برای رسیدگی به این دعاوی است؛ زیرا بیشتر اختلافات بین سرمایه‌گذاران و کارگزاران رخ می‌دهد، در حالی که غالب سرمایه‌گذاران خرید و فروش اوراق را به عنوان شغل خود انجام نمی‌دهند. محدود کردن صلاحیت هیأت به فعالیت حرفه‌ای سرمایه‌گذار، مشکلات عملی فراوانی در پی دارد؛ زیرا سرمایه‌گذار یا طرف مقابل او (برای مثال کارگزار) برای طرح دعوا در هیأت، باید حرفه‌ای بودن خود یا سرمایه‌گذار را اثبات کنند و اثبات این امر برای سرمایه‌گذار دشوار و برای طرف مقابلش، دشوارتر است، بنابراین قید «ناشی از فعالیت حرفه‌ای» برای خارج ساختن دعاوی خارج از بازار از قلمرو صلاحیت هیأت و محدود کردن صلاحیت آن به دعاوی ناشی از فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه است، بر این بنیاد فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه یعنی فعالیتی که اگر بازار متشکل سرمایه وجود نداشت و اشخاص را گرد هم نیاورده و تکالیف مشخصی بر عهده آنان قرار نداده بود، رخ نمی‌داد (سطانی، ۱۳۹۲: ۷-۲۸۲ و ۱۳۹۶: ۳-۳۲۱).

در برابر برخی در عین اینکه قید «ناشی از فعالیت حرفه‌ای» را ناظر به تمام اشخاص مذکور در ماده می‌دانند، بر این باورند که اگر سهامداری خرید و فروش سهام را به صورت حرفه‌ای انجام ندهد، رسیدگی به دعاوی ناشی از فعالیت او در بازار سرمایه، از صلاحیت ذاتی هیأت داوری خارج و در صلاحیت دادگستری است؛ زیرا نخست آنکه برابر اصل ۱۵۹ قانون اساسی، دادگستری مرجع عمومی رسیدگی به تظلمات بوده و صلاحیت مراجع اختصاصی استثناء است، لذا در موارد تردید در صلاحیت مراجع اختصاصی، اصل بر صلاحیت مرجع عمومی است؛ دوم آنکه نص ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، تاب تفسیر موسع و گسترش قلمرو صلاحیت هیأت برای رسیدگی به دعاوی اشخاص غیرحرفه‌ای را ندارد؛ سوم آنکه دادخواهی در هیأت، منوط به عدم سازش در کانون مربوطه است و اشخاص غیرحرفه‌ای کانون ندارند تا فرایند سازش در آن پیگیری شود. البته در مقررات مصوب سبا راهکار لازم در این خصوص پیش‌بینی شده است؛ برابر تبصره ۱ ماده ۱۲ «دستورالعمل فرایند سازش

۱. ماده ۲- به منظور ایجاد سازش در اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای میان فعالان بازار سرمایه و سایر اشخاص ذی‌ربط، کمیته سازش و دبیرخانه آن در کانون‌های موضوع بند ۵ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (که پس از این کمیته نامیده میشود) تشکیل می‌گردد.

در کانون‌های موضوع قانون بازار اوراق بهادار (مصوب ۱۴۰۱/۰۹/۰۲)، در مواردی که خواهان و خواننده عضو کانون‌های مختلف باشند، درخواست سازش در کانونی که خواننده در آن عضویت دارد، طرح می‌گردد. تبصره ۲ نیز مقرر می‌کند در صورتی که صرفاً یکی از طرفین دارای کانون باشد، درخواست سازش در همان کانون و در فرضی که طرفین فاقد کانون باشند، در کمیته سازش کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار طرح می‌گردد؛ چهارم اینکه دلیلی برای موضوعاً حرفه‌ای شمردن فعالیت اشخاص غیر حرفه‌ای وجود ندارد، بنابراین چون فعالیت حرفه‌ای مخصوص اشخاصی است که آن را به عنوان شغل انجام می‌دهند، نمی‌توان فعالیت اشخاصی را که فقط در موارد محدودی در بورس فعالیت می‌کنند، حرفه‌ای دانست (رجب‌زاده اصطهباناتی، ۱۳۹۲: ۲۰۱-۱۹۶).

در مقام داوری میان دیدگاه‌های یادشده باید گفت، هرچند رویه هیأت داوری با دیدگاه اول سازگار است (رجب‌زاده اصطهباناتی، ۱۳۹۲: ۱۹۴)، اما حرفه‌ای شمردن فعالیت اشخاصی که گاهی در بورس اقدام به خرید ابزار مالی یا کالا (در بازار فیزیکی بورس کالا و بورس انرژی) می‌کنند، نه با نص ماده همخوانی دارد، نه از دیدگاه عرف پذیرفتنی است؛ زیرا از منظر عرف، استمرار یک عمل برای حرفه محسوب کردن آن ضرورت دارد. افزون بر آن فعالیت حرفه‌ای شمردن انجام هرگونه تکالیف و حقوق قانونی مرتبط با فعالیت مشمول صلاحیت فعالان بازار (مانند گرفتن کد بورسی و غیره)، دشوار به نظر می‌رسد. بر این بنیاد اگر رسیدگی به دادخواهی له یا علیه اشخاص غیر حرفه‌ای در هیأت داوری، بایسته است، راه دستیابی به آن، اصلاح قانون است.

۲-۳. دولتی یا غیر دولتی بودن شرکت خواننده در دعوای مطالبه سود

برابر ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سررسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چهارچوب مقررات، توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت صاحبان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیأت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آراء صادره در این خصوص از طریق اجرای احکام دادگاهها قابل اجراء است.

بدین ترتیب دعوای مطالبه سود اوراق پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بورس کالا و بورس انرژی مشمول این ماده بوده و رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت داوری قرار دارد. در خصوص فرابورس نیز باید گفت گذشته از وجود ابهام در خصوص ماهیت آن، نظر به اینکه قابلیت معامله اوراق بهادار در این بورس لزوماً منوط به پذیرش اوراق نیست و حتی اوراق بهادار پذیرفته نشده یا لغو پذیرش شده نیز در بازار توافقی و پایه آن معامله می‌شوند، لذا هیأت داوری صرفاً برای رسیدگی

به دعوی مطالبه سود اوراق پذیرش شده نزد آن صلاحیت دارد (سلطانی، ۱۳۹۲: ۹-۲۸۸) و رسیدگی به دعوی مطالبه سود اوراق پذیرش نشده، در صلاحیت ذاتی دادگستری است. گفتنی است که هرچند ماده ۱۵ در خصوص شرط مقدماتی لزوم طی فرایند سازش برای طرح دعوی مطالبه سود در هیأت داوری سکوت کرده است، اما هیأت داوری با تکیه بر اطلاق ماده ۳۶ قانون بازار، طی این فرایند را در دعوی مطالبه سود هم، شرط استماع دعوا می‌داند (سلطانی، ۱۳۹۲: ۲۸۹ و نیکبخت و صادقی، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

به هر حال، برابر تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون یادشده، دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از شمول تکالیف مربوط به ناشران اوراق بهادار موضوع مواد (۱۳)، (۱۴)، (۱۵) و (۱۶) این قانون مستثنی هستند. بر این بنیاد تبصره استثنایی بر این صلاحیت وارد کرده و رسیدگی به دعوی مطالبه سود علیه دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها را از صلاحیت هیأت داوری خارج کرده و آن را در صلاحیت دادگستری قرار داده است. بدین ترتیب در صورتی که خوانده، یک شرکت دولتی بورسی (در بورس اوراق بهادار، فرابورس، بورس کالا و بورس انرژی) باشد، بر حسب خواسته خواهان (سهامدار)، مرجع رسیدگی به دعوا متفاوت خواهد بود؛ به این صورت که رسیدگی به دعوی مطالبه سود اوراق بهادار آن (خواه پذیرفته شده باشد، خواه پذیرش نشده)، در صلاحیت ذاتی دادگاه و رسیدگی به دعوی دیگری چون مطالبه حاصل فروش حق تقدم استفاده نشده، الزام به جبران خسارت ناشی از ابطال حق تقدم، تخصیص سهام حاصل از افزایش سرمایه و غیره (جمالی و صادقی، ۱۳۹۶: ۴۵۱ به بعد) علیه آن، در صلاحیت هیأت داوری است. تعیین دو مرجع متفاوت برای رسیدگی به این دعوی (دعوی مطالبه سود و دعوی بورسی دیگر) منطقی به نظر نمی‌رسد. بدیهی است با توجه به اینکه هیأت داوری یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری است، حکم این تبصره ارتباطی به محدودیت ارجاع دعوی دولتی به داوری مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی ندارد، افزون بر این با فرض پذیرش این ایراد، باید آن را در دعوی دیگر نیز حاکم دانست، در حالی که چنین محدودیتی وجود ندارد.

نتیجه

۱. در ادغام واقعی، با وجود انحلال شرکت یا شرکت‌های ادغام‌شده، تصفیه انجام نمی‌شود و اشخاص دیگر می‌توانند علیه شرکت بازمانده یا جدید، به عنوان قائم مقام شرکت‌های ادغام‌شده طرح دعوا کنند.

۲. برابر رأی وحدت رویه شماره ۸۵۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «با ادغام بانک یا مؤسسه مالی در بانک دیگر، شعب این بانک، قائم مقام بانک یا مؤسسه ادغام شده تلقی می‌شود و رسیدگی

به دعاوی اشخاص در صلاحیت دادگاه محل استقرار شعبه آن بانک است». اطلاق این رأی قابل اتکا نیست و برای تعیین مرجع دارای صلاحیت ذاتی باید به فاکتورهایی چون بورسی یا غیربورسی بودن شرکت‌های طرف ادغام، مرتبط یا نامرتب بودن دعوا با فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه، دولتی یا خصوصی بودن آن و خواسته خواهان، توجه کرد.

۳. در صورتی که خواننده (ادغام‌کننده) شرکت خصوصی بورسی و دادخواهی ناشی از فعالیت حرفه‌ای شرکت ادغام‌شونده در بازار سرمایه باشد، رسیدگی به دعوا در صلاحیت هیأت داورى بازار سرمایه به عنوان یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری است.

۴. اگر ادغام‌کننده شرکت دولتی، بورسی و دادخواهی مرتبط با فعالیت شرکت ادغام‌شونده در بازار سرمایه بوده و در عین حال خواسته غیر از مطالبه سود اوراق بهادار باشد، رسیدگی به دعوا در صلاحیت هیأت داورى بازار سرمایه است اما اگر دادخواهی برای مطالبه سود اوراق بهادار باشد، رسیدگی به دعوا در صلاحیت دادگستری است.

۵. خروج دعوی مطالبه سود اوراق پذیرفته شده شرکت‌های دولتی، شهرداری و غیره نزد بورس، فرابورس، بورس کالا و انرژی از قلمرو صلاحیت هیأت داورى بورس توجیه ندارد و باید با اصلاح قانون، رسیدگی به این دعوا در صلاحیت هیأت قرار گیرد.

منابع

- باقری، محمود و احضاری، عباس. (۱۳۹۸). ماهیت بازار خارج از بورس و تمایز آن از بورس اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران و امریکا. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۶.
- بیگی حبیب‌آبادی، احمد. (۱۳۸۳). حقوق سهام‌داران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری. مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۵.
- پاسبان، محمدرضا. (۱۳۹۱). دگرگونی در نهاد ادغام شرکت‌های تجاری؛ نقد قانون برنامه پنجم توسعه. مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۵۹.
- پاکباز، سیامک. (۱۴۰۱). شرح قانون مدنی فرانسه، چ سوم، تهران: میزان.
- پیری، فرهاد. (۱۴۰۰). حقوق بورس و اوراق بهادار، چ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- جمالی، جعفر و صادقی، محمد. (۱۳۹۶). رویه هیأت داورى بورس و اوراق بهادار: دفتر اول. تهران: انتشارات بورس.
- جمالی، جعفر؛ صادقی، محمد و شیدایی، نوید. (۱۳۹۹). رویه هیأت داورى بورس و اوراق بهادار: دفتر دوم، تهران: انتشارات بورس.
- حقیقت‌جو، محسن. (۱۳۹۸). حقوق رقابت و توسعه خارجی شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران: میزان.
- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۲). حقوق داورى. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- دارویی، عباسعلی. (۱۳۸۸). پرداخت دین دیگری در نظام حقوقی ایران. فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۴.
- رجب‌زاده اصطهباناتی، علیرضا. (۱۳۹۲). ماهیت حقوقی و روش‌های حل و فصل دعاوی در بازار اوراق بهادار. تهران: انتشارات بورس.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۲). ماهیت حقوقی داورى موضوع قانون بازار اوراق بهادار. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۳.
- سلطانی محمد. (۱۳۹۶). حقوق بازار سرمایه، چاپ دوم، تهران: سمت.
- سلطانی، محمد و نوعی، الیاس. (۱۴۰۳). تعریف و اوصاف اطلاعات دارای اهمیت در پرتو تکلیف شرکت‌های بورسی برای افشای اطلاعات؛ نگاهی تطبیقی به حقوق ایران، امریکا و اتحادیه اروپا. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۵.
- شمس‌اللهی، محسن. (۱۳۹۹). ماهیت حقوقی و حدود صلاحیت هیأت داورى بورس. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۰۵.
- صادقی، محمد. (۱۴۰۳). نیروی الزام‌آور در مقررات مادون قانون حاکم بر بازار اوراق بهادار ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۹، شماره ۱۰۸.
- صابر، محمدرضا و میرزایی منفرد، غلامعلی. (۱۳۹۹). اختلافات بورسی در پرتو آرای هیأت داورى، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- صقری، محمد. (۱۳۹۰). حقوق بازرگانی: شرکت‌ها (تأسیس، تبدیل، ادغام و انحلال). چ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عیسایی تفرشی، محمد. (۱۳۹۱). تعریف ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی و انواع آن از لحاظ حقوقی

- (مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران). پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۳.
- عبدی‌پور فرد، ابراهیم. (۱۴۰۲). حقوق تجارت: جلد دوم (شرکت‌های تجاری)، چ اول، تهران: مجد.
- کاویانی، کورش و صادقی، محمد. (۱۳۹۷). معیار حقوقی تمییز فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه. فصلنامه رأی، شماره ۲۴.
- کاظمی، محمود و عسگررمکی، جمشید. (۱۳۹۹). مفهوم و مبانی قائم‌مقامی ورثه: مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه. دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۷، ش ۲.
- مرتضوی، عبدالحمید. (۱۴۰۲). حقوق رقابت و آیین دادرسی آن. چ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- میرزایی، منفرد غلامعلی. (۱۳۹۰). حقوق بازار اوراق بهادار: بخش اختلافات، تهران: میزان.
- مولودی، محمد و شعبانی کندسری، هادی. (۱۳۹۵). قائم‌مقامی در قراردادهای چ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نیک‌بین محسن. (۱۳۹۶). ادغام در حقوق رقابت. چاپ اول، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- نیکبخت، حمیدرضا و محمد، صادقی. (۱۴۰۰). حل اختلاف حرفه‌ای فعالان بازار اوراق بهادار؛ عبور از الزام به روش‌های جایگزین. فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۷.